



### خدمت جناب آقای دکتر ایرانی

#### مدیر محترم مرکز پژوهشی میراث مکتوب

با عرض سلام و سپاس فراوان، وصول دو جلد دفتر اشعار صوفی و تحفة‌الدستور لطف‌الله کاشانی را اعلام می‌دارد. توفیق بیش از پیش آن جناب و همه اعضای محترم آن مؤسسه فرهنگی را از خداوند بزرگ خواستار است.

چو احیا می‌کند آثار ملی

تشکر دارم از میراث مکتوب

ز آثار کهن در نظم و در نثر

گزیند بهترین در سبک و اسلوب

چو دیدم دفتر اشعار صوفی

مرا شهد کلامش کرد مجذوب

به سعی «ایرج افشار» گردید

ز قرن‌ه فراهم دفتری خوب

پس آن‌گه انبساط خاطر افزود

ز لطف تحفة‌الدستور محبوب

ز سعی «مهدی صدری» که آراست

به طبعی درخور و در حد مطلوب

به «فرهنگ تهجی» شد مَدِیْل

که می‌گردد کتابی تازه محسوب

ز «ایرانی» سپاس بی‌نهایت

که می‌بالد بدو «میراث مکتوب»

با عرض معذرت، چند صفحه مقاله که با بررسی

تحفة‌الدستور فراهم شده، برای درج در آینه میراث یا

گزارش میراث تقدیم می‌گردد، شاید که برای برخی

سودمند باشد. چنانچه صلاح بود بر این کار اقدام شود.

با تقدیم احترام

حسن عاطفی

### جناب آقای ایرانی، مدیر محترم میراث مکتوب

با سلام و تشکر از شما و همکارانتان که در این روزگار کم‌لطفی به فرهنگ، به چاپ کتابها و نشریات ارزشمند می‌پردازید.

سرمقاله شما را در شماره ۴۱ آینه میراث خواندم. به مواردی اشاره کرده‌اید که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد. اما نکته‌ای هم دیده می‌شود که خواننده را به فکر فرو می‌برد. آیا از نظر شما هم صرف رعایت ضوابط وزارت فرهنگ و آموزش عالی مجله را ارزش علمی و پژوهشی می‌بخشد؟ البته درج تاریخ دریافت و پذیرش مقالات، و درج چکیده و کلید واژه اطلاعاتی به خواننده می‌دهد، ولی اصول چکیده‌نویسی و کلید واژه‌نویسی را هم باید رعایت کرد. لازم است مجله مقالاتی ارزشمند را چاپ کند که علاوه بر ویراسته و پاکیزه بودن، و نیز یکدست بودن ارجاعها، از لحاظ دستوری و نگارشی هم الگو باشند. و سرانجام اینکه باید اصول و خط مشی مجله رعایت شود و هر مقاله‌ای، ولو با ارزش، به چاپ نرسد. چند نکته درباره همین شماره یادآور می‌شوم.

در کنار مقالات مرتبط با خط مشی مجله، متن‌شناسی گویشهای ایرانی را آورده‌اید که کار ارزشمندی می‌تواند بود. اما آیا نباید پرسید که درویش عباس جزئی که حداکثر یک قرن پیش درگذشته، چه جایگاه تاریخی یا ادبی‌ای دارد و آیا دیوان او، صرف اینکه محقق غربی آن را کشف و معرفی کرده، اهمیت متنی می‌یابد؟

چکیده‌ها هم گاهی هیچ شباهتی به چکیده ندارد. در مقاله «نگاهی به دیوان امیر پازواری» آنچه به عنوان چکیده آمده، در واقع مقدمه است. اما از آن جالبتر کلیدواژه‌هاست. همین مقاله (یا پاسخ نقد؟) نمونه بارز بی‌توجهی به نثر و نگارش و سجاوندی و پاراگراف‌بندی



## حضرت استاد افشار

### سلام

در پایگاه اینترنتی میراث مکتوب خبر شناختن «هفت کشور» را خواندم. چون مؤلف آن فخری هروی است، به ذهنم خطور کرد که به مقدمه پیر سید حسام‌الدین راشدی مراجعه کنم که بر تذکره روضةالسلالین و جواهرالعجایب (چاپ حیدرآباد سند، ۱۳۶۹م) تألیف فخری نوشته بود. دیدم که در صفحات ۶۳-۸۳ هفت کشور نسخه‌هایش را معرفی کرده است. چون مقدمه به زبان اردو است، عجالتاً فقط از نسخه‌ها یادداشت می‌کنم که قطعاً جناب عالی اطلاع دارید.

۱. تاشکند، شماره ۶۴۰۲، ۷۴۰۲، ۸۴۰۲ (فهرست ۳/۶۴۰۲)

۲. سپهسالار، شماره ۶۰۸۵

۳. دانشکده ادبیات تهران

۴. ایندیا افس (اته ۷۰۲۱/۱) شماره ۵۱۲۲

۵. بریتش میوزیم، شماره IO.۳۶۹۱ (ریو ۹۳۰۱/۳)

۶. عارف حکمت، مدینه (عطاردی، ره‌آورد، ص ۱۳).

مقدمه پیر راشدی برای شرح حال فخری نیز راهگشا است و باید به فارسی برگردانده شود.

در هر حال اگر حضرت عالی نیت تجدید چاپ هفت کشور را دارید، در مقدمه یادی از پیر سند بی‌مناسبت نخواهد بود که لااقل سه کار فخری را در یک مجموعه چاپ کرده است (روضه + جواهر + دیوان).

با احترام

عارف نوشاهی

۲۱ مهر ۱۳۸۷ - اسلام‌آباد

گزارش میراث: نسخه‌ای از این نامه را هم آقای دکتر نوشاهی برای درج در گزارش میراث فرستادند. از این رو به درج آن اقدام شد.

است (از جمله شماره‌گذاری مطالب و آوردن شماره ۲۷ پس از «پی‌نوشت»). چندین جا (از جمله در ص ۲۳۵) گروه یا گیومه باز شده و بسته نشده (یا برعکس). در استفاده از این نشانه‌های بی‌مبالاتی بسیار دیده می‌شود. گروه هم برای نقل قول به کار رفته و هم برای افزوده‌ها و جملات معترضه. نویسنده هم کلمه «رویه» را به کار برده و هم «صفحه» را. و اطلاعات نادرست متعددی در اختیار خواننده می‌گذارد. کدام کشیش انگلیسی کتیبه بیستون را خوانده (اگر منظورشان رالینسن است که نظامی بوده نه میسیونر)؛ از جنگی صحبت می‌کنند که در «مسجد سپهسالار» (۲۳۵) و در «کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار» (ص ۲۴۲) نگهداری می‌شود؛ کدام درست است؟ جمله‌های بی‌سر و ته در متن فراوان است: «محمد صادق بارفروش هم از علاقمندان (کذا!) امیر بوده و چنانکه خود ادعا می‌کند و ناقد هم در رویه ۳۰۶ آورده‌اند که [...] بعضی از اشعار را که از افواه شنیدم نوشتم.» (ص ۲۳۶). راستی سر و ته این جمله کجاست؟ نمونه دیگر نثر این مقاله: «... که با شعر خود امیر نزدیک‌تر است...» (ص ۲۴۴).

خواهش می‌کنم مقاله «محمد رضا جدیدالاسلام» (به خصوص صفحات ۴۱۴ و ۴۱۵) را هم با دقت بخوانید! بحث تعیین روز دقیق اسلام‌آوردن آقابابا چقدر جنبه علمی و تحقیقی دارد؟ بهتر نبود نویسنده کمی هم به ایجاز و دقت در نگارش توجه می‌کرد و شما و همکارانتان هم از نظرات کارشناسان بیشتری بهره می‌گرفتید و مقالات را ارزیابی و داوری می‌کردید؟

مبنای ذکر عنوان شغلی نویسندگان مقالات (که فرنگیها به آن Affiliation می‌گویند) نیز معلوم نیست. استفاده بی‌مبنا از تیتراها و عنوانهایی چون دکتر یا استاد فلان دانشگاه به ویژه برای کسی که اصولاً عضو هیأت علمی هیچ جایی نیست یا عضو هیأت علمی یک نهاد پژوهشی که فقط چند واحد در یک دانشگاه درس دارد می‌تواند مورد تعقیب قرار گیرد.

باز هم برایتان آرو می‌گویم.

عبدالرضا سیفی

کارشناس ارشد تاریخ و پژوهشگر متون